

سبک احترام



درباره جایگاه پدر در خانواده

تکیه گاه خانواده و تجلی مهر مردانه

■ زهر اهنربخش

امروزه با توجه به کم شدن ارتباط‌های خانوادگی و نقش عاطفی خانواده در میان افراد، بسیاری از ارزش‌ها و آداب و رسوم نیک مانند احترام و ادب در مقابل پدر و مادر کمرنگ شده و اصول اخلاقی با تهاجم فرهنگی کشورهای بیگانه و به خصوص غرب و دیدگاه‌های مادی‌گرایانه و سطحی، زیر پا گذاشته می‌شود. به همین خاطر، پژوهش در رابطه با مقام و منزلت پدر از نگاه قرآن کریم و عمل به آن می‌تواند تا حدودی ضمن قدردانی از نقش و جایگاه پدران، به گونه‌ای حق ایشان را نیز ادا نماید.

■ ■ ■

■ پدر حقیقی و پدر معنوی

از دیدگاه قرآن کریم بهترین و پسندیده‌ترین روش و حقوقی‌ترین عمل این است که هر فرزندی به پدر حقیقی‌اش نسبت داده شود و هر نوع نسبت به غیر پدر، رفتاری به دور از عدالت و حقوق شخصی افراد می‌باشد. البته نباید فراموش کرد که می‌توان افراد را گاهی در جایگاه پدر معنوی و تربیتی معرفی کرد، ولی این نسبت‌ها به دلیل اینکه بار حقوقی ندارد زیاد قابل توجه نیست، اما می‌توان گفت از لحاظ اخلاقی تأثیرگذار و مفید می‌باشد. به همین خاطر است که می‌توان پیامبر(ص) و یا ائمه(ع) را به عنوان پدران معنوی امت اسلامی معرفی نمود همانطور که پیامبر اکرم(ص) نیز می‌فرماید: «انا و علی ابواه هذه الامة»؛ «من و علی پدران امتیم.»

■ حتی به او «اف» نگو

اما اگر بخواهیم حقوق پدر را مورد بررسی قرار دهیم، می‌توان گفت در برخی آیات قرآن کریم برای پدر اموری به عنوان حقوق پدر مطرح شده است و موارد دیگری نیز به عنوان فرا حقوق و امورات اخلاقی وجود دارد که بدین

سبک نگرش

لحاظ به عنوان احسان آن را مطرح می‌کنیم. از حقوق بدوی هر پدری و از وظیفه هر فرزندی، توجه به لزوم رعایت حرمت و ارزش و احترام والدین و قبیح اهانت و آزار رساندن به آنها با گفتار و کردار به هر شکلی است که باید به آن توجه نمود. آیات ۲۳ و ۲۴ سوره اسرا در این خصوص مطرح شده که انسان باید در حق پدر خود انگونه رفتار کند که رعایت احترام و حرمت او را شامل شود. این مورد نسبت به پدران در زمانی که آنها در ناتوانی می‌باشند و به دلیل بالا رفتن سن زودرنج می‌شوند، تشدید می‌شود و پروردگار یکتانیز از انسان‌ها می‌خواهد به دلیل زودرنجی خاطر و بالا رفتن نیازها و تمایلات پدر در پیری حتی کلمه «اف» را در مقابل آنها بر زبان نیاورند، چه برسد به اینکه سخن ناراحت‌کننده و آزاردهنده‌ای بگویند و یا توهینی کنند.

■ از روابط مبتنی بر اخلاق تا روابط مبتنی بر قانون

روابط ما بین پدر و مادر و فرزندان در طول تاریخ، بر مبنای اخلاقی و رعایت آن بوده است و می‌توان گفت تا قبل از به وجود آمدن مدنیت بر پایه قانون‌گذاری، ارتباط میان اعضای خانواده به دست والدین، به ویژه پدر خانواده، ریاست و راهبری می‌شد و رضایت از این نوع ارتباط و احترام به طور مستقیم به پایبندی والدین به اخلاق و مسائل مذهبی مربوط می‌شد و حتی در زمان‌هایی که این موارد از طرف والدین رعایت نمی‌شد، ضمانت اجرای قانونی برای آن وجود نداشت. به همین خاطر قانون‌گذار بر آن شد تا به این شیوه رفتار اخلاقی، شکل قانونی و الزام‌آور بدهد و به وضع قوانین در این خصوص بپردازد تا در مواجهه با اختلافات خانوادگی و موارد حقوقی بتوان به آن استناد نموده و راه‌حلی در این زمینه باشد.

■ حق ولایت پدر بر فرزندان

قانونگذار حق ولایت بر فرزندان را که از مهم‌ترین و

اصلی‌ترین حق بر فرزند محسوب می‌شود، به عهده پدر و جد پدری گذاشته است، همچنین مواد ۱۱۸۰ و ۱۱۸۱ قانون مدنی حق ولایت بر کودک نابالغ و غیر ممیز (پیش از رشد) را بر عهده پدر و جد پدری قرار داده است. ولایت پدر بر فرزندان بیشتر از جنبه تکلیفی می‌باشد و به دلیل تأمین احتیاجات اقتصادی فرزندان و حمایت اقتصادی از انسان می‌باشد؛ از آن جمله مسئولیتی‌هایی نظیر تأمین هزینه‌های مورد نیاز امرار معاش شامل خوراک و پوشاک و تأمین مخارج تحصیل، تفریح، پیشرفت که در قانون تحت عنوان نفقه بر عهده پدر و جد پدری گذاشته شده است.

بر همین اساس و با توجه به اینکه تأمین مخارج فرزند با پدر می‌باشد، در قانون پدر بر اموال فرزند خویش (تا زمانی که فرزند به سن رشد نرسیده و عنوان رشید نداشته باشد پدر به مدیریت اموال و دارایی فرزند می‌پردازد). حق ولایت بر فرزندان برای پدر فقط یک امتیاز یا حق به معنای ویژه و خاصی نیست، بلکه حقی است که به واسطه تکلیف و وظیفه‌ای که پدر در قبال فرزند دارد، به او داده شده است. با توجه به همین موضوع نیز در قانون و عرف، همیشه پدر در همه اقداماتی که با توجه به حق ولایت برای فرزند خود انجام می‌دهد، باید نفع فرزند را در نظر بگیرد؛ و گر نه، با توجه به موارد قانونی اقدام‌های منفعت‌طلبانه و سودجویانه والدین نسبت به فرزندان مورد بررسی واقع شده و جلوی این اعمال گرفته می‌شود.

■ تغییر و کمرنگ شدن نقش پدر

مقام و منزلت پدر در میان اعضای خانواده نسبت به گذشته بسیار تغییر کرده است. در گذشته و در میان خانواده‌های سنتی، پدران نقشی ویژه و حیاتی در خانواده بر عهده داشتند و مدیریت و ریاست خانواده با آنها بود، اما امروزه با توجه به تغییرات سبک زندگی

حق ولایت بر فرزندان برای پدر فقط یک امتیاز یا حق به معنای ویژه و خاص نیست، بلکه حقی است که به واسطه تکلیف و وظیفه‌ای که پدر در قبال فرزند دارد، به او داده شده است. با توجه به همین موضوع نیز در قانون و عرف، همیشه پدر در همه اقداماتی که با توجه به حق ولایت برای فرزند خود انجام می‌دهد، باید نفع فرزند را در نظر بگیرد؛ و گر نه، با توجه به موارد قانونی اقدام‌های منفعت‌طلبانه و سودجویانه والدین نسبت به فرزندان مورد بررسی واقع شده و جلوی این اعمال گرفته می‌شود



و پر رنگ شدن نقش زنان در اجتماع و به دست‌گیری قسمتی از وظایف خانواده توسط زنان و همچنین اشتغال آنها جهت تأمین مخارج خانواده با به پای مرد خانواده، می‌توان گفت پدر خانواده بخشی از نقش‌های خود را از دست داده است. با توجه به اینکه خانواده همواره به عنوان سرمایه و نهاده‌ی اجتماعی برای اعضای خود می‌باشد و در برهان‌ها و مشکلات حامی نهایی اعضای خانواده است، در نتیجه تغییرات شیوه زندگی و ارتباطات خانوادگی در حال حاضر نقش اساسی پدر نیز به دلیل اشتغال و آزادی اقتصادی دیگر اعضای خانواده، کمرنگ‌تر شده است، اما این‌ناپید دلیل شود که نقش و اهمیت ذاتی پدر را در خانواده فراموش کنیم.

■ تکیه‌گاه خانواده و تجلی مهر مردانه

با توجه به آموزه‌های دینی و روایات بسیار در خصوص مقام و منزلت پدر باید یاد گرفت: بدون شک جایگاه پدر در نزد پروردگار یکتا، بی‌مانند است؛ تا جایی که حضرت محمد (ص) فرمودند: «الوالدُ وسَطُ اَسْوَابِ الْجَنَّةِ فَإِنْ شَتَّ فَاحْطَفْهُ وَ إِنْ بَسَّتْ فَحْضِبْهُ» (پدر میان بهشت است اگر خواهی آن را نگهدار و اگر خواهی آن را ضایع دار). به این معنا می‌باشد که کسب رضایت پروردگار در گرو کسب رضایت پدر می‌باشد. احترام به پدر و مقام و منزلت او به گونه‌ای سفارش شده که نمی‌توان به راحتی از آن گذشت.

شک نباید کرد که جایگاه و شأن پدر در پیشگاه حضرت باری تعالی بی‌همتااست. اما در دنیای امروز انگونه که شایسته مقام و منزلت او و زحماتی که در طول سالیان متمادی برای خانواده می‌کشد، به او بها نمی‌دهند، اما در دین اسلام و در بسیاری از آیات مانند سوره یوسف سفارش شده است که بدون کسب اجازه از پدر حتی نباید به مسافرت رفت و در پایان باید گفت پدر تکیه‌گاه خانواده و تجلی مهر مردانه است.



قوی‌تر باشد، این بخش‌هایی از مغز که درگیر آن خاطره هستند، بیشتر فعال می‌شوند. شما نمی‌توانید تمام رفت‌وآمدهای روزمره خود را به خاطر بیاورید، اما اگر در یکی از این رفت‌وآمدها شاهد یک تصادف مرگبار باشید، احتمالاً رفت‌وآمد آن روز را به خاطر خواهید آورد. خاطراتی که به ما چسبیده‌اند و رها بمان نمی‌کنند؛ خاطراتی هستند که رنگ و بوی احساسی دارند.

پیرچارد مایر، فینالایست دو دوره از مسابقات گزارش‌نویسی پولیتزر می‌گوید: «حافظه محبوب برای روزنامه‌نگاران قطعا یک مشکل به حساب می‌آید. چطور باید در برابر آن خود محافظت کنیم؟»

هیچ ضمانت قطعی‌ای وجود ندارد که همه چیز در یک روایت غیرداستانی حقیقت محض باشد، «اما شما به‌عنوان نویسنده ملزم هستید تا جایی که برایتان ممکن است به حقیقت نزدیک شوید و تنها راه برای انجام این کار باید در کتاب درباره منشأ داستان‌ها می‌نویسد: ذهن و حافظه اطلاعات و تجربیات را صرفاً ضبط و بازپایی نمی‌کنند، بلکه همچنین از آنها نتیجه‌گیری کرده، شکاف‌هایشان را پر می‌کنند و آنها را می‌سازند. «به نظر می‌رسد عدم توفیق حافظه رویدادی در فراهم‌آوردن نسخه‌های بدل دقیق از تجربیات نه یک محدودیت که نشان از یک طراحی انطباق‌پذیر باشد.» روایت از هستی‌ای که در شکل دیگر خود تنها تشویش و هرج‌ومرج است، معنا و نظم می‌آفریند. این یکی از نکات مهمی است که علاقه‌مندان به آثار غیرداستانی، وقتی درباره نقاط مشترک داستان و خاطره صحبت می‌کنند، ممکن است در نظر داشته باشند. در هر دو آنها هارمونی وجود دارد.

نقل از وب سایت ترجمان / نوشته: اریکا هایاساکی / ترجمه: امیر قاجارگر

/ تلخیص: سیمین جم / مرجع: آتلانتیک

سبک قدردانی



با والدین خود مهربان باشیم

حالانوبت جبران زحمات مادر است

■ ستاره آهنگران

مادر کسی است که با به پای کودکش، کودک می‌شود، نوجوان می‌شود و در نهایت بزرگ می‌شود. مادر در کودکی با او قدم‌های کوتاه برمی‌دارد، تلاش می‌کند برای ایستادن، حرف‌زدن، غذا خوردن و استراحت کردن فرزندش. او با لحن زیبا و دلنشین برای کودکش لالایی می‌خواند و... صدای مادر بهترین آهنگ جهان است. چون به فرزندش آرامش می‌دهد. اوست که از خواب خوشش می‌زند تا کودکش را آرام کند. کودکی که در سال‌های اول زندگی‌اش فقط بی‌تابی می‌کند. مادر است که آن بی‌تابی‌ها را به جان و دل می‌خرد. وقتی که کودکش با به مدرسه می‌گذارد، همراهش حروف الفبا و شعرها را حفظ می‌کند. گویی که خودش از اول مدرسه را شروع کرده است. هنگام امتحان‌هایش استرس می‌گیرد برای اینکه کودکش بتواند بهترین باشد. مادر است که هر روز صبح قبل از همه بیدار می‌شود و سفره صبحانه را می‌چیند و چای تازه دم را در فنجان می‌ریزد. آن جای طعم عشق می‌دهد. وقتی که فرزندش بخواهد به مدرسه برود، در کیفش میان وعده‌ای با عشق می‌گذارد و تأکید می‌کند فراموش نکنی! او بیش از آنکه به خودش برسد مراقب و نگران جگر گوشه خود است.

مادران ما قوی هستند و قوی بودن را به ما یاد می‌دهند تا بتوانیم برای زندگی‌مان بجنگیم تا بتوانیم بهترین باشیم. مادر! تو قشنگ‌ترین نقاشی خداوند هستی و من به تو عشق می‌ورزم! همانگونه که تو به من عشق ورزیدی و من را بزرگ کردی. تو برای بزرگ کردن من موهبت‌ها را سپید کردی. تو تا در برابر سختی‌های زندگی تمام تلاشت را کردی. به برای بهتر بودن و من را بزرگ کردی. تو بزرگ کردن من موهبت‌ها را سپید کردی. تو من توجه کردی و آن وقت که به حمایت نیاز داشتم، من را حمایت کردی. آنگاه که زمین خوردم تو دستم را گرفتی. تو به من مشکلات زندگی ام را برای حل کردی. می‌توانم بگویم مانند یک دوست صمیمی در کنارم قدم برمی‌داشتمی. با هر نگرانی و ناامیدی که روبه رو شدم، کمکم کردی. تو به من یاد دادی که همیشه باید به خود اطمینان داشته باشم. در برابرشان تسلیم نشوم، با آنها بجنگم و قوی شوم.

روز مادر و روز پدر را به تازگی پشت‌سر گذاشتیم. این روزها که می‌شود خیلی‌ها در تدارک خیرین هدیه‌ای برای پدر و مادرشان هستند تا بتوانند او را خوشحال کنند. خیلی‌ها مادرشان را دست داندن و بر سر مزار مادر حسرت دیدن یک بار دیگر او را دارند. حسرت لمس کردن دستانشان، بوسیدنشان و محکم در آغوش فشر دشان، اما افسوس که دیگر او را ندارند و فقط با خاطراتش زندگی می‌کنند. این روز خاص برای قدردانی از زحمات اوست، اما کاش هر روز را روز مادر می‌دانستیم و به این فرشتگان بالارزش بیشتر اهمیت می‌دادیم. گاهی کلماتی چون تشکر و ممنون به چشمم خفیر می‌آیند برای قدردانی از زحمات مادرم، اما چه می‌توانم انجام دهم، هر چقدر هم تلاش کنم برای جبران قسمتی از زحماتش هم ناتوانم! حال وقتی پدر و مادران سالمند می‌شوند نیاز به حمایت فرزندان‌شان دارند. روزگاری آنها تمام حامی فرزندان بودند. حال چرا ما نباید حامی آنها باشیم؟ آنها را تنها نگذاریم. آنان نیازمند توجه فرزندان‌شان هستند. چون اگر روزی نباشند، برای ما چیزی جز حسرت و اندوه باقی نخواهد ماند. به آنان اف نگوییم و با آنان مهربان باشیم. با به پای آنها برویم، همانطور که آنها همراهان کودک شدند. با ما بازی‌ها کودکانه کردند. برایمان وقت گذاشتند و زندگی‌شان را به پای ما گذاشتند. گاهی شب و روزشان را سیاه کردند تا ما طعم سختی نجشیم.

بیا بیسم ما هم همراهشان باشیم و به خواسته‌های‌شان عمل کنیم. هر چند اگر ما هر قدر هم به آنها اهمیت دهیم در برابر زحمات و حمایت آنها ناچیز است! یادمان باشد مادر صبح‌ها با پیاد فرزندانش بیدار می‌شود و شب‌ها با یاد آنها به خواب می‌رود. او لحظه به لحظه‌اش را به فکر فرزندش است. اگر فرزندش در کنارش نباشد با هر قاشق غذایی که می‌خورد، می‌گوید جایش خالیست... تمام هستی‌اش را و عمرش را و لحظاتش را به پای ما گذاشت. چه خوب است اگر بتوانیم در زندگی‌مان تلاشی کنیم، برای خوشحال کردنش. برای دلخوشی‌اش. او تمام تلاشش را کرده تا ما خوشحال باشیم.



خیلی‌ها مادرشان را از دست

دادند و بر سر مزار مادر حسرت

دیدن یک بار دیگر او را دارند.

حسرت لمس کردن دستانشان،

بوسیدنشان و محکم در آغوش

فشر دنش‌شان، اما افسوس

که دیگر او را ندارند و فقط با

خاطر آتش زندگی می‌کنند.

کاش هر روز را روز مادر

می‌دانستیم و به این فرشتگان

بالارزش بیشتر اهمیت می‌دادیم